

پیشگیری از جرائم علیه امنیت تا مشارکت در کشف آن

سید سهیل موسوی^۱

جعفر یزدیان جعفری^۲

سعید قماش^۳

چکیده

سیاست جنایی مشارکتی، به معنای همکاری شهروندان با مسئولین در جهت پیشگیری از جرائم است که در جرائم برخلاف امنیت ملی نیز می‌تواند کارائی داشته باشد. این پژوهش به روش تحلیلی-توصیفی باهدف بررسی کاربرد سیاست جنایی مشارکتی در پیشگیری از جرائم امنیتی انجام شده است. نتیجه اینکه اجرای این سیاست در پیشگیری از جرائم مذکور می‌تواند نتیجه مثبتی داشته باشد. در این باره نیاز است که هر فرد ایرانی با داشتن تعصب نسبت به کشور خود، چشم کشور محسوب شده و در صورت برخورد با هر مسئله امنیتی، سریعاً آن را به اطلاع مسئولین امنیتی برساند. با داشتن تعصبات وطن پرستی، همکاری با سرویس های اطلاعاتی معاند معنا نداشته و در این باره فرهنگ سازی توسط رسانه ملی نیاز است. حکومت نیز با حسن روابط با دیگر کشورها و سیاست تنش زدایی، خود به خود انگیزه برای اقدامات امنیتی دشمن را از بین برده و بدین صورت، زمینه همکاری شهروندان با سرویس های امنیتی بیگانه به حداقل وسعت خواهد رسید. مردم محلی هر منطقه به دلیل اشراف نسبت به آن منطقه، می‌توانند همکاری بهتری با نیروهای امنیتی داشته باشند و ضمن شناسایی عوامل ضدانقلاب، مانع از اجرای توطئه ها شوند. در صورت وقوع جرم نیز مردم می‌بایست در جریان تحقیقات به نیروهای امنیتی کمک کرده و نسبت به رساندن اطلاع دقیق به آنها، در حد توان اقدام نمایند.

کلمات کلیدی:

سیاست جنایی مشارکتی، جرائم امنیتی، پیشگیری از وقوع جرم، وزارت اطلاعات، نهادهای امنیتی.

جستار گشایی

حاکمان ممالک، اداره مطلوب کشور را تنها وابسته به اراده حاکمیت دانسته و چنین معتقد بودند که با قدرت سیاسی و نظامی خود، می‌توانند هر بخش از سیاست موردنظر را اجرایی کنند. اما پس از مدت‌ها و به‌خصوص در قرن‌های اخیر، چنین دریافته شد که بزرگ‌ترین قدرت یک کشور، مردمان آن کشور بوده و در صورت خواست عمومی مردم، حاکمیت می‌بایست به خواسته آن‌ها تن در دهد. انقلاب‌های پی‌درپی در دو قرن اخیر این ایده را تقویت کرده و جامعه‌شناسان نیز به قدرت خواست عمومی پی برده و در مورد آن مطلب‌ها نوشته‌اند. همکاری مردم با حکومت، نتیجه مطلوبی در اجرای موفق یک سیاست دارد. چنانچه در ماجرای ملی شدن صنعت نفت و سپس انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷) اهمیت همکاری مردم نشان داده شد. ارکان اداره یک کشور و در صدر آن، حاکمیت بوده و سپس قوای سه‌گانه مجریه، قضائیه و مقننه. قوه مجریه در اجرای سیاست‌های اجرایی اداره کشور، به همکاری و همراهی مردم نیاز داشته و لذا اعتمادسازی بین مردم و دولت، ضرورتی انکارناپذیر است. چنانچه که در تاریخ ملی شدن صنعت نفت، باوجود تحریم‌های همه‌جانبه غرب علیه ایران، دولت مرحوم دکتر مصدق، توانست تورم را تکریمی نگاه دارد و این مسئله جز با حمایت مردم به رهبری آیت‌الله کاشانی امکان‌پذیر نبود. قوه قضائیه نیز که ناظر بر اجرای قانون می‌باشد، طبیعتاً باهدف اجرای سیاست‌های خود، به همکاری مردم نیاز داشته که به گفته مسئولین این نهاد، فرهنگ‌سازی به‌جای سخت‌گیری در قانون، می‌بایست در صدر سیاست‌های فرهنگی این نهاد قرار گیرد. به‌موجب بند پنجم از اصل یک‌صد و پنجاه و ششم ق.ا.ا^۱، وظیفه پیشگیری از وقوع جرم بر عهده قوه قضائیه نهاده شده که این مهم در چارچوب همکاری مردم با قوه قضائیه امکان‌پذیر است. یکی از دغدغه‌های مهم مسئولین قضائی، اجرای سیاست مشابه در کشورهایی همچون هلند بوده که کارمندان این قوه، به علت کم بودن حجم پرونده‌ها، در طول هفته چند روز را داوطلبانه تعطیل کرده و این در حالی است که مسئولین مشابه در کشور ما می‌بایست با کار فشرده و ساعت‌ها اضافه‌کاری، تنها به بخشی از امورات قوه قضائیه رسیدگی کنند. به این مدل سیاست که عمدتاً در بحث حقوق کیفری کارائی دارد، «سیاست جنایی مشارکتی» گفته‌شده که براساس آن قوه قضائیه با همکاری مردم، نسبت به پیشگیری از وقوع جرم و تحقیقات جنایی اقدام کرده و امورات قوه، تسهیل می‌یابد. در این پژوهش کارایی این سیاست در جرائم امنیتی موردبحث قرارگرفته است. بنا به فرموده حضرت علی (ع) امنیت نعمتی است که تا زمان نبود آن، مردم قدرش را نمی‌دانند. کشور ما ایران، خوشبختانه در زمره کشورهای امن جهان قرار داشته و این مهم جز با زحمات شبانه‌روزی نیروهای امنیتی شامل سپاه، ارتش، نیروی انتظامی و وزارت اطلاعات امکان‌پذیر نمی‌باشد. در راستای پیشگیری از وقوع جرائم امنیتی، همکاری مردم با نهادهای مسئول ضرورت داشته و در این پژوهش کاربرد سیاست جنایی مشارکتی درباره پیشگیری از این‌گونه جرائم بررسی شده است.

۱. قانون اساسی ایران، مصوب ۱۳۵۸، بازنگری شده در سال ۱۳۶۸.

در پژوهش حاضر اهداف متعددی می‌توان تصور نمود اما مهمترین اهداف به دو مورد معطوف می‌گردند: اول تحلیل کارایی سیاست جنایی مشارکتی در جرائم امنیتی مبنی بر پیشگیری از جرائم امنیتی و دوم ارائه الگوی مطلوب و پیشنهاد اصلاح و یا تدوین قانون مناسب در این راستا است.

سوال اساسی قابل بررسی در پژوهش این است که راهکارهای اجرای سیاست جنایی مشارکتی برای همکاری بین مردم و نیروهای امنیتی به چه صورت است؟ بدین توضیح که بهترین روش و سهلترین راهکار جهت ارتباط فی ما بین مردم و نیروهای امنیتی و مآلاً اعمال مناسبترین روش سیاست جنایی چیست؟ فرضیه مورد تاکید در پژوهش ایجاد ساختارهای فرهنگی از طریق اطلاع رسانی مبنی بر اثر بخشی این همکاری و تقویت همکاری بین شهروندان و مسئولین امنیتی است.

با بررسی های انجام شده، کاشف به عمل آمد که پژوهش در خصوص موضوع مورد بحث انجام نشده است، مع الوصف پژوهشهایی که غیر مستقیم و تا حدودی به موضوع مرتبط می باشند عبارتند از: الف: بهره مند و داودی (۱۳۹۷) در یک مقاله با عنوان «پیشگیری اجتماعی از جرائم امنیتی - سایبری» بیان داشتند که گسترش و نفوذ فناوری های اطلاعات و ارتباطات و در پی آن پدیدار شدن فضای سایبر، تغییرات اساسی را در تمامی ابعاد زندگی آدمی از جمله امنیت ملی جوامع ایجاد کرده است. فضای مجازی با برخورداری از ویژگی های منحصر به فرد، با توسل به فناوری تبادل اطلاعات امنیت ملی را با چالش های جدید و جدی مواجه کرده است که صیانت از آن به شیوه سنتی دشوار و ناکافی است. هرچند مقابله کیفری در خصوص این جرائم اجتناب ناپذیر است، با توجه به واکنشی بودن این اقدام و اتخاذ آن پس از ارتکاب، نمی توان آثار سوء این جرائم را خنثی کرد. از این رو لازم است اقداماتی را مورد تحقیق قرار داد که به جای واکنش به این جرائم، از وقوع آنها پیشگیری کند. با توجه به ایرادات پیشگیری وضعی که به کلی مانع از ارتکاب جرائم نمی شود سیاست جنایی پیشگیرانه، بتواند راهبرد مؤثرتری برای مقابله با این تهدیدات نوین به شمار رود. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی ضمن شناسایی مفهوم و مصادیق جرائم امنیتی. سایبری به بررسی برنامه های پیشگیرانه اجتماعی جهت رویارویی با جرائم سایبری علیه امنیت ملی می پردازد و بدون آن که تأثیر سایر اقدامات پیشگیرانه را بکلی نفی کند، برنامه های پیشگیرانه اجتماعی را پیشنهاد و آثار مثبت آنها را معرفی می کند. در این میان می توان به برنامه های خانواده مدار، تدابیر آموزشی. سایبری، بالا بردن سواد رسانه ای، تنظیم کدهای رفتاری، اطلاع رسانی و اطلاع گیری، توجه به حکمرانی خوب و شاخص های آن، مشارکت و اجماع گری، ارتقای پاسخگویی و شفافیت، فرهنگ سازی و تولید رسانه ای اشاره کرد.

ب: سهرابی و قربانی (۱۳۹۸) در یک مقاله با عنوان «پیشگیری امنیت گرا از وقوع جرم، چالش ها و راهکارها» به بررسی مفهوم پیشگیری از وقوع جرم و علل ناکارآمدی سیاست های پیشگیرانه، چالش های

قانونی پیشگیری امنیت گرا از بزه کاری و راهکارهای برون رفت از این معضلات پرداخته است. سپس نهادهای مجری پیشگیری را معرفی و اقدامات آنها را توصیف نموده است. سپس به ارتباط پیشگیری و آمار جنایی اشاره نموده و مهمترین عامل عدم موفقیت سیاست‌های دستگاه قضایی و سایر نهادهای متولی امر پیشگیری از وقوع جرم را نبود آمار جنایی صحیح و معتبر می‌داند. در نهایت به عنوان راهکار پیشنهاد می‌نماید که مقنن با اصلاح قوانین موجود با بهره‌گیری از سیاست جنایی مشارکتی در امر پیشگیری از وقوع جرم، متولی اصلی پیشگیری کننده و نهاد رسمی ارائه کننده آمار جنایی را مشخص و امر پیشگیری از جرم را نظام مند کند. در این پژوهش در خصوص نقش سیاست جنایی مشارکتی در پیشگیری از وقوع جرم توضیحی داده نشده و به آن پرداخته نشده است.

این پژوهش با هدف پاسخ دهی به سوال مطروحه به روش تحلیل-توصیفی به صورت همبستگی برای تحلیل رابطه میان متغیر های مختلف انجام شده است. روش جمع آوری منابع نیز به صورت کتابخانه ای با بهره گیری از کتب و مقالات حقوقی می‌باشد.

۱- مبانی امنیت و جرائم امنیتی

جرم در لغت به معنای فعل یا ترک فعلی که نقض قانون تلقی شود و سزاوار کیفر یا مجازات است (فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان تهران). در جایی دیگر به عنوان گناه و تقصیر آمده است (فرهنگ لغت دهخدا). در ادبیات حقوقی جرم جایگاه ویژه دارد و عمده پرونده‌های قضائی به دودسته حقوقی و کیفری تقسیم می‌شوند. به موجب ماده ۲ ق.م.ا^۱ «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود.» این تعریف عمومی جرم است، اما به صورت تخصصی در مواردی کثیر، جرم‌انگاری انجام می‌شود؛ بدین معنا که اجزای مختلف هر پارامتر عملی بررسی شده و مصادیق جرم آن با تصویب مفاد قانونی، مشخص می‌گردد. سپس با تصریح قانونگذار در جرم‌انگاری یک عمل، به مجازات خاطیان آن رسمیت بخشیده می‌شود. (اکبری، ۱۳۸۹: ۱۵۴).

امنیت در لغت به معنای در امان بودن (فرهنگ لغت معین)، به‌دوراز خطر بودن (فرهنگ لغت عمید)، بی‌هراسی (فرهنگ لغت دهخدا) و سلامت (فرهنگ لغت عربی-فارسی) آمده است. امنیت واژه‌ای آشنا برای همگان است. لازمه زندگی روزمره همه انسان‌ها، وجود امنیت است. یکی از وظایف حکومت‌ها، تأمین امنیت برای شهروندان بوده که جمهوری اسلامی ایران در طی چهار دهه، به افتخار این مهم، نائل آمده و ایران هم‌اکنون جزء امن‌ترین کشورهاست. به موجب فصل سیزدهم ق.ا.ا شورای امنیت ملی برای اتخاذ سیاست‌های کلان در حوزه امنیت کل کشور تشکیل شده و تصمیمات آن برای تمامی ارگان‌ها لازم‌الاجراست. وظیفه اصلی نیروهای مسلح تأمین امنیت شهروندان داخل کشور است. اما تأمین امنیت تنها با قوه نظامی امکان‌پذیر نبوده و نیاز به کسب اطلاعات در مورد خرابکاری‌ها و دیگر اقدامات

۱. قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲.

ضدامنیتی، یکی از ضروریات هر کشور است و بدین صورت واژه اطلاعات و امنیت با یکدیگر گره خورده‌اند. به موجب ماده یکم ق.و.ا.^۱ «به منظور کسب و پرورش اطلاعات امنیتی و اطلاعات خارجی و حفاظت اطلاعات و ضد جاسوسی و به دست آوردن آگاهی‌های لازم از وضعیت دشمنان داخلی و خارجی جهت پیشگیری و مقابله با توطئه‌های آنان علیه انقلاب اسلامی کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌گردد.» بر این اساس، کشور ما با دیگر کشورهای متخاصم در حال جنگ اطلاعاتی است که این وظیفه در کشور ما بر عهده وزارت اطلاعات گذارده شده است. تلاش‌های شبانه‌روزی پرسنل این نهاد، لازمه تأمین امنیت کشور بوده و همکاری دیگر ارگان‌ها به خصوص نیروهای مسلح با این وزارتخانه، از ضروریات تأمین امنیت است. بر این اساس، هر اقدامی که به نحوی با امنیت کشور در ارتباط باشد، امنیتی خوانده می‌شود (موسوی، ۱۳۹۰: ۱۴).

در آن طرف جبهه جنگ اطلاعاتی، کشورها و یا سازمان‌های معاند جمهوری اسلامی ایران وجود داشته که معمولاً نیروهای خود را از بین هم‌وطنانمان انتخاب می‌کنند. افرادی که به هر نحو با حکومت و یا اصل میهن ایران مشکل دارند؛ و یا افرادی که با وعده‌های اقامت در خارج از کشور و یا پول‌های کلان تطمیع می‌شوند، انگیزه لازم برای همکاری با دشمن در امورات اطلاعاتی را دارند. سرویس‌های اطلاعاتی معاند نیز با شناسایی این گونه افراد، آن‌ها را به همکاری فراخوانده و پس از جذب، آموزش‌های لازم را به آن‌ها می‌دهند. از آنجاکه این گونه افراد ایرانی هستند، به سهولت بیشتر توان کسب اطلاعات از داخل کشور را داشته و بخش حفاظت اطلاعات و ضد جاسوسی وزارت اطلاعات مسئول مقابله با این قبیل اقدامات است. به موجب ماده پنجم ق.م.ا اقدام علیه نظام، امنیت داخلی یا خارجی، تمامیت ارضی یا استقلال جمهوری اسلامی ایران توسط افراد ایرانی و غیرایرانی در داخل یا خارج از کشور جرم تلقی شده و قوه قضائیه صلاحیت رسیدگی به آن را دارد. بر این اساس اقدامات امنیتی برخلاف مصالح کشور جرم‌انگاری شده و به اصطلاح جرائم امنیتی نامیده می‌شوند.

۲- سیاست جنایی مشارکتی

همانطور که بیان شد، سیاست جنایی مشارکتی به سیاستی قضائی گفته شده که بر پایه آن مردم با قوه قضائیه و دیگر ارگان‌های حقوق در رابطه با پیشگیری از وقوع جرم و کشف حقیقت جرائم همکاری می‌کنند. در جرائم امنیتی، این همکاری صورتی جدید دارد. در این قسمت مبنای سیاست جنایی مشارکتی تبیین شده و در ادامه، مصادیق آن عنوان گردیده است.

پیشگیری از بزهکاری از مهم‌ترین سازوکارهای سیاست جنایی است که با توسل به اقدام‌های غیرقهرآمیز درصدد کاهش یا از بین بردن عوامل فردی، محیطی و وضعی جرم‌زا و نیز گرایش به بزهکاری است. سیاست‌گذاران جنایی بر همین اساس از رهگذر تصویب مقررات متعدد در سطح‌های مختلف فراقضایی،

۱. قانون تاسیس وزارت اطلاعات، مصوب ۱۳۶۳.

تقنینی و فروتقنینی به آن توجه کرده‌اند، چنانکه در پرتو هنجارمندسازی به‌عنوان یک «حقوق پیشگیری از جرم»، یافته‌های جرم‌شناسی پیشگیری در عرصه این مقررات رشته حقوقی تخصصی پدید آمده است. حقوق پیشگیری از جرم، یک شاخه هنجارمند است و شامل مجموعه قوانین و مقررات ناظر به تدابیر پیشگیرانه، ساختار و تشکیلات متولی پیشگیری از جرم و چگونگی اعمال اقدام‌های پیشگیرانه می‌شود. یعنی آن دسته از قوانین و مقررات که به ماهیت تدابیر پیشگیرانه، شکل و نهادهای مدیریتی اجراکننده آن‌ها توجه دارند.

حقوق پیشگیری از جرم را می‌توان به دو نوع «حقوق ماهوی پیشگیری از جرم» و «حقوق شکلی پیشگیری از جرم» دسته‌بندی کرد. در حقوق ماهوی پیشگیری از جرم، قوانین مربوط به ماهیت اقدام‌های پیشگیرانه مانند مقررات ناظر به آموزش و پرورش (محیط تحصیلی)، خانواده‌ها، فقرزدایی، اشتغال‌زایی یا به عبارت دیگر، مجموعه قواعد و مقررات مربوط به محتوای تدابیر پیشگیرانه مثل اقدام‌های خانواده‌مدار یا مدرسه‌مدار بررسی می‌شوند، درحالی‌که در حقوق شکلی پیشگیری از جرم، مجموعه قوانین و مقررات ناظر به ساختار و تشکیلات و چگونگی اجرای تدابیر پیشگیری از جرم، اعم از نهادهای مدیریت پیشگیری از جرم و تشریفات اجرای تدابیر، برنامه‌ها و سیاست‌های پیشگیرانه مورد مطالعه قرار می‌گیرند (جلالی فراهانی، ۱۳۸۹: ۴۳).

شناسایی و تصویب یافته‌های جرم‌شناسی پیشگیری از جرم در قوانین و مقررات سبب می‌شود تا این شاخه، جنبه حقوقی به خود بگیرد و از ضمانت اجرا برخوردار شود. به همین جهت، شماری از سیاست‌گذاران به پیشگیری از بزهکاری، فراتر از سطح مقررات تقنینی و فروتقنینی و در قالب یک هنجار اساسی توجه کرده‌اند و به آن، اعتبار مقررات فراققنینی یا مقررات (اصول) تأسیسی داده‌اند. این توجه به پیشگیری از جرم به گونه‌ای اسباب اساسی سازی آن را نیز فراهم آورده است.

اساسی سازی حقوق با تأثیرپذیری از جریان‌های فکری-عقیدتی آزادی خواهانه، اسباب شناسایی شماری از جلوه‌های بارز حقوق و آزادی‌های شهروندان در پهنه قانون اساسی را فراهم آورده است تا از این رهگذر، همه سیاست‌گذاری‌ها در چارچوب و ادامه این حق‌های اساسی شده صورت پذیرد. این نخله فکری-حقوقی به تدریج توسعه یافت و موجبات فراگیرشان پدیده اساسی سازی حقوق را فراهم آورد (دوکوهکی، ۱۳۹۸: ۵۴).

اساسی سازی حقوق، یعنی مبنادار و اصول‌مندکردن یک رشته حقوقی در قانون اساسی. به دیگر سخن، اساسی سازی حقوق، فرآیندی است که در پرتو آن، برخی هنجارها اعتبار و جایگاه فراققنینی پیدا کرده و در یک فصل یا شماری از اصول قانون اساسی پیش‌بینی می‌شوند.

آموزه‌های پیشگیری از جرم در قلمرو سیاست جنایی ایران از دو حیث ماهوی (الف) و شکلی (ب) جنبه

اساسی پیدا کرده است. درواقع، خبرگان قانون اساسی از رهگذر اصول متعدد به ماهیت تدابیر پیشگیرانه و همچنین چگونگی اجرای آن‌ها توجه کرده‌اند تا به این واسطه، حق بر امنیت و حق بر پیشگیری از جرم که ازجمله حق‌های بنیادین بشری‌اند، در قالب یک هنجار و نظام اساسی رسمیت یابند.

۱-۲ مفهوم مشارکت

مشارکت در لغت عبارت است از باهم شریک شدن و شرکت کردن باهم (فرهنگ لغت عمید) همکاری (فرهنگ لغت سره) حصه داشتن با یکدیگر (فرهنگ لغت دهخدا) و شریک شدن (فرهنگ لغت معین) آمده است. از واژه مشارکت معانی مختلفی از قبیل اشتراک مساعی، سهیم شدن، مسئولیت‌پذیری، تقسیم کار ارائه شده است. با توجه به معانی مختلفی که از واژه مشارکت ارائه شده، مسلم است که از مفهوم آن نیز برداشت مختلفی صورت گرفته باشد. باین‌حال، باوجود اختلافاتی که بین برداشت‌ها وجود دارد، جملگی بر کاربرد مفید مشارکت در عرصه توسعه و رفع مشکلات اقتصادی و اجتماعی اتفاق نظر دارند (قیاسی، ۱۳۸۵: ۶۰).

«ساموئل پل»^۱ ازجمله افرادی است که تعریفی مرتبط با توسعه محلی از مشارکت ارائه کرده است. از نظر وی مشارکت محلی فرآیندی است فعال که در آن بهره‌مندان، به‌جای آن‌که صرفاً سهمی از مزایای پروژه دریافت کنند، در جهت‌گیری و اجرای پروژه تأثیر می‌گذارند. وی برای مشارکت اهداف زیر را قائل شده است: (کی‌نیا، ۱۳۸۸: ۶۰)

○ مشارکت در هزینه‌ها.

○ افزایش کارایی و اثربخشی پروژه.

○ توانمندسازی بهره‌برداران از طریق آموزش‌های رسمی و غیررسمی و فعالیت‌های آگاهی‌بخش.

○ افزایش اختیار (تسلط بخش‌های محروم جامعه بر منافع و تصمیماتی که بر زندگی‌شان تأثیر می‌گذارد).
عده‌ای دیگر با دیدی کلی و کلان به مفهوم مشارکت نگریسته‌اند و آن را چنین تعریف کرده‌اند: مشارکت عبارت است از حساس‌سازی مردم و در نهایت افزایش پذیرش و توانایی آنان برای پاسخگویی به برنامه‌های توسعه از طریق درگیر کردن آن‌ها با تصمیم‌گیری، اجرا و ارزشیابی برنامه‌ها بر اساس تلاش‌های سازمان‌یافته.

۲-۲ مفهوم سیاست جنایی

سیاست در لغت به معنای پاس داشتن ملک (فرهنگ لغت دهخدا)، حکومت کردن (فرهنگ لغت معین)، برنامه‌کار و شیوه عمل (فرهنگ لغت عمید) و ساستار (فرهنگ واژه‌های سره) آمده است. جنایی نیز از ریشه جنایت (فرهنگ لغت عمید) آمده است. اصطلاح «سیاست جنایی»^۲ به‌عنوان

1. Samuel Paul

2. Criminal Policy

یک رشته مطالعاتی علمی، نخستین بار توسط "آن سلم فون فوئر باخ"^۱ به کار رفته است. این عنوان از دو جزء "سیاست" و "جنایت-جنایی" تشکیل شده است. واژه سیاست در معانی متعددی استعمال می‌شود. لسان العرب می‌گوید: "سوس" به معنی ریاست است و سیاست نیز در مفهوم «تصدی برای حفظ مصالح مردم» می‌باشد. گاه نیز سیاست به معنای اداره کشور و حکم راندن و رعیت‌داری است. بنابراین، سیاست در لغت به معنای توانایی اتخاذ تدابیر مناسب جهت اداره امور به نحو مطلوب است. جنایت نیز همانند سیاست، کلمه‌ای عربی است که از ریشه "جنى" به معنای گناه کردن، چیدن میوه از درخت و جرم آمده است. عده‌ای معتقدند که اعراب لغت جنایت را همانند جناح، از «گناه» فارسی اخذ کرده‌اند (پورجمشید، ۱۳۹۶: ۲۰).

۲-۳ تحولات مفهومی سیاست جنایی مشارکتی

اندیشمندان در ارتباط با سیاست جنایی تعریف واحدی ارائه نداده‌اند و همین امر موجب پیدایش نوعی ابهام در مفهوم این اصطلاح شده است. در عدم صراحت این اصطلاح، همین بس که با بیش از دو سده قدمت، محتوا و حدود متفاوتی برای آن در نظر گرفته شده و متخصصان حقوق کیفری و جرم‌شناسی، مدعی وجود نوعی پارادوکس در تعریف سیاست جنایی شده‌اند زیرا تعاریف این اصطلاح از یک طرف شامل سازمان بخشیدن سنجیده و مطالعه شده به مبارزه علیه ارتکاب بزه‌هایی است که توسط قانونگذار جرم‌انگاری شده است و از طرف دیگر با تمرکز بر ابزارهای غیرکیفری و پیشگیرانه، اصل جرم‌انگاری برخی از جرایم را به چالش می‌کشد. بر اساس این تعریف مشاهده می‌گردد که این سیاست با سیاست کیفری متمایز است. چراکه سیاست کیفری یعنی مجموعه قواعد حقوقی - جزائی که واکنش دولت نسبت به جرائم و مجرمین را سازمان و صرفاً شامل ابزارهای کیفری است، حال آنکه سیاست جنایی شامل ابزارهای کیفری و غیرکیفری است (غلامی، ۱۳۹۳: ۴۳).

سیاست جنایی مشارکتی؛ یک سیاست جنایی همراه با مشارکت جامعه مدنی بوده که در چارچوب آن اهرم‌ها و نهادهای دیگر در کنار پلیس و دستگاه قضایی، پاسخ به پدیده مجرمانه را سامان می‌بخشد. این همکاری و مشارکت، ضامن اعتبار بخشیدن طرح تنظیم شده قوای مقننه و مجریه در زمینه سیاست جنایی، یا همان شرکت دادن مردم در مقابله با پدیده مجرمانه است. مشارکت مردم در امور عمومی از آنجایی ضرورت دارد که باعث آشنایی مردم با امکانات و محدودیت‌های موجود در نظام پیرامون آن‌ها می‌شود. مشارکت تجربه شهروندی را فعال و متریقی ساخته و شهروندان را نسبت به نظم علاقه‌مند می‌کند و باعث افزایش آگاهی ایشان درباره وظایف دولت، مردم، محدوده‌ها و محدودیت‌های حقوق دیگران می‌شود. مشارکت مردم به گونه‌های مختلف در اداره امور از اهمیتی والا برخوردار است. امروزه برای برنامه ریزان تکیه بر الگوهای توسعه درون‌زا و خودیار، امری ضروری است، زیرا اگر الگوی مدیریت مشارکتی اجرا شود، افراد

1. Anselm von feuer bach

جامعه خلاقیت و تلاش خود را به کار می‌گیرند تا هرکدام نظر اصلاحی برای ایجاد امنیت اجتماعی بدهند، درواقع می‌توان گفت که یک نوع ارتباط دوسویه تعاملی، به وجود می‌آید که در آن دیگر فرآیند مدیریت و تصمیم به‌صورت از بالا به پایین نیست، بلکه از پایین به بالا نیز خواهد بود و برای کنترل جرم از ظرفیت‌های جامعه در اصلاح مجرمان غیر خطرناک و اصلاح‌پذیر بر استفاده حداقلی از کیفر تأکید می‌شود. یکی از اهداف اصلی کیفرهای اجتماع‌محور همچنان که از نام آن پیداست اجرای کیفر در بستر جامعه می‌باشد. سیاست جنایی مشارکتی در سطوح مختلف سیاست جنایی نقش دارد؛ بدین ترتیب که ابتدا در سطح سیاست جنایی تقنینی باید گفت که جرم‌انگاری رفتارها در مجلس قانون‌گذاری اصولاً مسبوق به بررسی و کنکاش درباره‌ی طرح‌ها و لایحه‌هایی است که سپس به لباس قانونی درمی‌آیند. در این میان، نهادهای گوناگون ازجمله رسانه‌های گروهی در آگاه‌سازی مردم و در نتیجه شرکت دادن آن‌ها در فرآیند تهیه و تنظیم یک پیش‌نویس قانونی تا تصویب آن نقش مهمی بر عهده‌دارند (شاکری، ۱۳۸۲: ۲۸). در سطح سیاست جنایی قضایی نیز جامعه مدنی می‌تواند از رهگذر ابزارهایی چون رسانه‌های گروهی، باوجود برخی توالی فاسد چون تلقین پیش‌داری و ... زمینه تحقق یک دادرسی عادلانه را فراهم کنند. زیرا، حضور رسانه‌ها در جلسات دادگاه‌ها به‌منظور آگاه‌سازی مردم در پرتو علنی بودن دادرسی‌ها که نظام حقوقی ایران نیز آن را پذیرفته است، نه تنها به انجام دادرسی‌های منصفانه و بی‌طرفانه کمک می‌کند، بلکه در نقد منصفانه و به دور از غرض‌ورزی دادگاه‌ها و تصمیم‌های قضایی نیز می‌تواند مؤثر باشد. حضور هیئت‌منصفه مردمی در دادگاه‌های ویژه جرائم مطبوعاتی و نیز حضور مشاوران یا دادرسان مردمی در دادگاه‌های خانواده و اطفال بزهکار نمودهایی دیگر از سیاست جنایی قضایی مشارکتی است.

در سطح سیاست جنایی اجرایی که بخشی از آن مرتبط با اقدامات در مرحله کشف و تعقیب، دادرسی و اجرای حکم است نیز پلیس و دستگاه‌های اجرایی خاص، مانند سازمان زندان‌ها به‌عنوان ضابطان دادگستری (مطابق بند ب ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲) با دستگاه قضایی و نهادهای مربوط همکاری دارند. در این رابطه باید خاطرنشان ساخت که جلب افکار عمومی در افزایش کارایی این نهادها و کاهش هزینه‌های انسانی و مادی کشف و پیگرد جرائم از یکسو و از دیگر سو مشارکت مردم در حل‌وفصل مبتنی بر صلح و سازش و میانجیگری و حتی تلطیف نمودن مجازات و همکاری در اجرای آن به‌ویژه همکاری در مشخص شدن مجازات‌ها و یا کمک به زندانیان نیازمند به‌گونه‌ای که سال‌های اخیر در کشورمان وجود داشته، اهمیت فراوانی دارد و بدین‌سان، مشارکت و همکاری مردم در سطح سیاست جنایی اجرایی از جایگاه قابل‌توجهی در کنترل و مبارزه با بزهکاری برخوردار است. نتیجه آن که در کنار نظام کیفری، عدم استفاده از توان سایر اجزای جامعه دولتی و رسمی نه تنها در مبارزه کیفری با جرم، بلکه در پیشگیری از جرم، که جزء رسالت کل جامعه در قالب همبستگی دولت و مردم است، کارایی نظام

کیفری را محدود و در نهایت، به کنترل ناکارآمد بزهکار و بزهکاران منجر می‌شود. افزون بر این‌ها از آنجاکه یکی از ویژگی‌های برجسته نظام‌های کیفری که در پرتو اصول مدرن و مکاتب نوین حقوق کیفری در دهه‌های اخیر تحول یافته‌اند، مشارکت جامعه مدنی و اجزای آن در فرآیند کیفری و نیز در پیشگیری از جرم است. بدین سان، می‌توان گفت که سیاست جنایی ذاتاً دولتی، به‌سوی سیاست جنایی مشارکتی، که جلوه‌ای از حضور و مداخله مردم در مراحل مختلف کشف، تعقیب، داوری، اجرای حکم و نیز پیشگیری از بزهکاری است، حرکت می‌کند. به دیگر سخن، دولت‌ها نمی‌توانند نقش مؤثر مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد^۱ را در اشکال گوناگون کنترل جرم نادیده بگیرند (بیرانوند و سبزیان فرد، ۱۳۹۷: ۱۷).

۲-۴ اساسی سازی حقوق ماهوی پیشگیری از وقوع جرم

در گستره سیاست جنایی ایران، حقوق ماهوی پیشگیری از وقوع جرم در پرتو اصول قانون اساسی از سوی قانون‌گذار عادی به‌صورت قوانین متعدد به رسمیت شناخته شده‌اند. یعنی تدابیر و اقدام‌های ماهوی ناظر به هریک از انواع پیشگیری از جرم از جمله پیشگیری رشدمدار به عرصه مقررات راه یافته است. برای نمونه، می‌توان به قانون اهداف و وظایف آموزش و پرورش مصوب ۱۳۶۲ یا آیین‌نامه پیشگیری از اعتیاد، درمان معتادان به مواد مخدر و حمایت از افراد در معرض خطر اعتیاد ۱۳۷۷ اشاره کرد. بدیهی است این ابتکارات، ناظر به ماهیت اقدام‌های پیشگیرانه بوده و بر همین اساس در پهنه حقوق ماهوی پیشگیری از جرم بررسی می‌شود. حقوق ماهوی پیشگیری از جرم با توجه به تقسیم‌بندی ناظر به پیشگیری فردمدار به دوطبقه بندی «حقوق ماهوی پیشگیری رشدمدار» و «حقوق ماهوی پیشگیری جامعه مدار» طبقه‌بندی می‌شود.

۲-۴-۱ اساسی سازی حقوق ماهوی پیشگیری جامعه مدار از وقوع جرم

پیشگیری جامعه مدار یا پیشگیری محیطی، کهن‌ترین گونه پیشگیری جامعه‌مدار است که با تکیه بر ظرفیت محیط‌ها، به‌ویژه محیط‌های پیرامون افراد به دنبال پیشگیری از جرم است. این نوع پیشگیری با به‌کارگیری اقدام‌های غیرقهرآمیز اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی در محیط‌های مختلف درصدد از بین بردن عوامل محیطی جرم‌زا یا دست‌کم کاهش تأثیر آن‌ها بر افراد است. به این ترتیب، پیشگیری جامعه‌مدار با توجه به این انگاره که گونه‌های مختلف محیط بر نظام رفتاری افراد تأثیرگذار هستند بر استفاده از اقدام‌های غیرقهرآمیز محیط مدار به‌منظور زدودن یا کاهش تأثیر عوامل جرم‌زا تمرکز می‌کند. از این رو، اقدام‌های ناظر بر آموزش و پرورش، اشتغال‌زایی، فقرزدایی، تهیه مسکن برای شهروندان، ایجاد رفاه اجتماعی و اقتصادی که نقش مؤثری در فرآیند شکل‌گیری شخصیت افراد ایفا می‌نمایند، در چارچوب این نوع پیشگیری جای می‌گیرند (شریعتی، ۱۳۹۰: ۵۴).

در اسناد جهانی و منطقه‌ای الزام‌آور و ارشادگر نیز این دسته از اقدام‌ها به‌عنوان حقوق بنیادی افراد

شمرده شده است که طبیعتاً دارای کارکردی پیشگیرانه نیز هست. برای نمونه، می‌توان به اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ اشاره کرد که شماری از مواد خصوصاً مواد ۱۶، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶ این حق‌ها را که دارای ابعاد پیشگیرانه است به رسمیت شناخته‌اند.

توجه به جلوه‌های پیشگیری جامعه مدار به عرصه سیاست جنایی بین‌المللی محدود نمی‌شود، بلکه در سطح ملی نیز قانون‌گذاران این ابتکارها را به رسمیت شناخته‌اند تا از این رهگذر، اقدام‌های این‌گونه پیشگیری از جرم، جنبه تقنینی یابند. در همین راستا، تعدادی از مصادیق پیشگیری جامعه مدار در سطح مقررات فرائقینی، یعنی در اصول قانون اساسی نیز شناسایی شده است که زمینه اساسی سازی این شاخه حقوق پیشگیری از جرم را فراهم آورده است. به این‌سان، خبرگان قانون اساسی با به رسمیت شناختن جلوه‌های این نوع پیشگیری در پهنه قانون اساسی به تدابیر پیشگیری جامعه مدار، اعتبار بنیادی داده‌اند تا ضابطه‌مند کردن این تدابیر به قانون‌گذار واگذار شود. به این ترتیب، شماری از سازوکارهای این نوع پیشگیری از جمله بسط‌سازی برای آموزش و پرورش و توسعه آن یا فراهم ساختن زمینه‌های مناسب جهت کارزایی یا فقرزدایی، ارتقای سطح رفاه اجتماعی ب ه عنوان هنجار اساسی مورد توجه قرار گرفته‌اند (فضلی، ۱۳۹۱: ۷۶).

اصول متعددی از این قانون، به‌ویژه اصول مربوط به فصل سوم با عنوان «حقوق ملت» به این مصادیق اختصاص یافته است. این اقدام نویسندگان قانون اساسی سبب شده است تا پیشگیری جامعه مدار از جرم در سطح مقررات فرائقینی دارای پایه‌های اساسی شود، چنانکه بتوان در ایران سخن راند. به این‌سان، شماری «اساسی سازی حقوق پیشگیری جامعه مدار» پرتو آن از بارزترین سازوکارهای این‌گونه پیشگیری در پرتو قانون مذکور، جنبه اساسی یافته است. در این چارچوب می‌توان به اصول بیست و هشتم، سی‌ام و سی و یکم به‌عنوان نمونه اشاره داشت.

محیط خانواده که نقش بنیادی در پروراندن شخصیت افراد و متمایل ساختن آنان به پیروی از ارزش‌های اساسی اجتماعی ایفا می‌کند، از برجسته‌ترین سازوکارهای پیشگیرانه است. در مقدمه قانون اساسی و زیر عنوان «زن در قانون اساسی»، خانواده «...واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان...» معرفی شده است.

به‌موجب اصل دهم بر این نکته تأکید شده است که همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده و پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق اسلامی باشد. این سیاست، نشان‌دهنده توجه خبرگان به نقش محوری محیط خانواده در چگونگی مدنی و جامعه پذیرشدن افراد است و بر این اساس، قانون‌گذار عادی و دیگر سیاست‌گذاران نیز باید در چارچوب این سیاست به اتخاذ تدابیر مناسب در زمینه مطلوب سازی محیط خانواده برای پرورش شخصیت افراد مبادرت ورزند.

در عرصه پیشگیری جامعه مدار، بهبود وضعیت مالی - اقتصادی نیز در کاهش تمایل شهروندان به ارتکاب جرم تأثیرگذار است. شماری از افراد، تحت تأثیر ناتوانی مالی - اقتصادی ناشی از بیکاری، فقر، نداشتن مسکن به بزهکاری و انحرافات اجتماعی رو می‌آورند (میرمردی، ۱۳۹۷: ۵۴).

نویسندگان قانون اساسی با توجه به نقش بنیادی اقدام‌های اقتصادی و اجتماعی در کاهش میزان بزهکاری،

شماری از اصول این قانون را به این دسته اقدام‌ها اختصاص داده‌اند. طبیعتاً این ابتکار، اسباب اساسی سازی تدابیر مالی - اقتصادی پیشگیرنده را فراهم آورده است.

بند ۱۲ اصل سوم درواقع به دنبال «پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و آن را به‌عنوان وظیفه راهبردی دولت پیش‌بینی کرده است.

بدیهی است این تکلیف دولت در زمینه فقرزدایی و بنیان‌گذاری رفاه اقتصادی می‌تواند در کاهش تأثیر ناتوانی مالی - اقتصادی بر بزهکاری افراد، نقش‌آفرین باشد. در همین چارچوب، در اصل چهل و سوم «... ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، ... بر اساس ... ضوابط ... (۱) تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش ... (۲) تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به‌منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند» مبنای نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به شمار آمده است.

این پنداشت، بیانگر این نکته است که دولت باید برای ایجاد سامانه اقتصادی مطلوب که به شکوفایی اقتصادی بینجامد، بر مؤلفه‌هایی مانند فقرزدایی، اشتغال‌زایی و مهیا ساختن نهادهای اقتصادی زندگانی تمرکز کند. همین اقدام، در توانمندسازی مالی - اقتصادی شمار زیادی از شهروندان، نقش‌آفرین است و می‌تواند به کاهش تمایل آنان به بزهکاری منتهی شود. به هر رو، در قلمرو پیشگیری جامعه مدار، ایجاد امکانات مناسب برای رفاه اقتصادی و اجتماعی به‌منظور دسترسی شهروندان به کمینه‌های زندگی و در نتیجه از بین بردن و کاهش تأثیر عوامل مالی و اقتصادی جرم‌زا از شاخص‌ترین ابتکارها به شمار می‌رود که در شماری از نظریه‌های جرم‌شناسانه خصوصاً نظریه‌های فشار و مارکسیستی تبلور یافته است (نامجویان و کجویان، ۱۳۹۸: ۸۷).

بر اساس نظریه‌ای که از سوی مرتون در دهه ۱۹۴۰ مطرح شد، نبود ابزارها مانند کار، تحصیلات یا در دسترس نبودن آن‌ها برای رسیدن به هدف‌های مشروع اجتماعی، زمینه‌گرایش شماری از شهروندان به توسل به وسایل و راه‌های نامشروع ازجمله بزهکاری را فراهم می‌سازد (گراهام، ۲۰۱۸: ۴۳).

درواقع، بودن یا نبودن برابری در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی و امکان ناپذیر بودن استفاده از ابزارهای مشروع به منظور دست یافتن به هدف موردتوجه در یک جامعه واکنش‌های متعددی را در پی دارد که ارتکاب بزهکاری از شاخص‌ترین آن‌هاست. بنابراین، هرگاه ابزارهای مساوی مثل فرصت‌های برابر کار یا ارتقای وضعیت مالی - اقتصادی برای شهروندان جهت دست یافتن به هدف‌ها فراهم باشد، تأثیر مشکلات مالی - اقتصادی بر گرایش افراد به ارتکاب بزهکاری کاهش می‌یابد.

۲-۴-۲ اساسی سازی حقوق ماهوی پیشگیری رشدمدار از جرم
پیشگیری فردمدار دارای یک گونه بسیار مهم دیگر یعنی پیشگیری رشدمدار یا زود هنگام است که برای کاهش احتمال مزمن شدن بزهکاری در افراد از اقدام‌های روان‌شناسانه - اجتماعی زودرس جهت مداخله در فرآیند تربیت و رشد کودکان بهره می‌جوید (بهره مند و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۸).

این گونه پیشگیری درصدد پروراندن درست شخصیت کودکان مشکل دار است و در این راستا بر اقدام‌های روان‌شناسانه و اجتماعی حمایتی خانوادهمدار، مدرسه‌مدار و اجتماع‌مدار تمرکز پیشگیری رشدمدار بر این انگاره استوار است که درست سپری نشدن فرآیند رشد کودکان، احتمال گرویدن این دسته به بزهکاری و چه بسا ماندگاری در این ورطه را افزایش می‌دهد. از این رو، با به کارگیری تدابیر حمایتی مناسب می‌توان چالش‌های فراروی کودکان در مرحله‌های مختلف رشد را مرتفع ساخت و در نتیجه آنان را به سمت هنجار پذیری و پیروی از بایدها و نبایدهای کیفی هدایت کرد.

پیشگیری رشدمدار با تمرکز بر فرآیند رشد کودکان معضل دار درصدد برطرف ساختن مشکلات این دسته است. بنابراین، کودکان دارای پدر - مادر بزهکار، بدون سرپرست یا بدسرپرست، دارای خانواده نابسامان و ازهم گسیخته، برخوردار از وضعیت مالی - اقتصادی نامناسب یا آن دسته از کودکان که مادرانشان دوره بارداری را با آرامش طی نکرده‌اند، از جمله کودکان مشکل داراند. اهمیت اقدام‌های پیشگیری رشدمدار در فرآیند پروراندن درست شخصیت کودکان معضل دار، سبب شده است تا به این گونه پیشگیری از جرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ توجه شود. به موجب بند ۲ اصل بیست و یکم «حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی سرپرست» در شمار وظایف بنیادی دولت گنجانده شده است. به هر رو، مشکلات مالی - اقتصادی مادران سرپرست خانوار و نبود پدر برکنار خانواده، از جمله نشانه‌های خطراند که برطرف نشدن آن‌ها احتمال مزمن شدن بزهکاری را افزایش می‌دهد. همچنین است، بی سرپرست بودن کودکان. به همین جهت، دولت باید از رهگذر اتخاذ تدابیر مناسب و برنامه‌ریزی سنجیده به حمایت مالی - اقتصادی از این خانواده‌ها یا ایجاد بستر مناسب برای دسترسی آنان به حمایت‌های اجتماعی مناسب مثل مشورت دادن مددکاران اجتماعی مبادرت ورزد.

در همین راستا، قانون‌گذار عادی از رهگذر مقررات تقنینی تلاش کرده است تا در جهت رویکرد و سیاست خبرگان قانون اساسی گام بردارد. به هر رو، در پرتو اساسی سازی، همه نهادها به‌ویژه مقنن باید در چارچوب سیاست‌ها یا دستورهای اساسی به تدوین قوانین و اتخاذ تدابیر مبادرت ورزند. برای نمونه، می‌توان به قانون ساختار نظام جامع و رفاه و تأمین اجتماعی ۱۳۸۳ اشاره کرد که از رهگذر بند (ط) ماده ۱ و در چارچوب اصول پیش‌گفته حمایت از کودکان مشکل‌دار به‌منظور توسعه عدالت اجتماعی و ترمیم خلأهای فرآیند رشد و تربیت این دسته و کاهش احتمال گرایش آنان به پایداری در ورطه بزهکاری را شناسایی کرده‌اند.

این حق‌ها کارکردی پیشگیرانه نیز دارند زیرا اقدام‌های حمایتی ناظر به کودکان بدون سرپرست یا حمایت از مادران در دوران بارداری و رشد کودکان، ازجمله ابتکارات پیشگیری رشد‌مدار به شمار می‌آیند و طبیعتاً می‌توانند در ساماندهی فرآیند رشد این دسته و در نتیجه، کاهش احتمال به عادت شدن بزهکاری نزد آنان نقش‌آفرین باشند.

حقوق پیشگیری از جرم، دارای یک شاخه و جنبه شکلی نیز هست. در این عرصه آیین‌های ناظر به چگونگی اجرای تدابیر و اقدام‌های ماهوی پیشگیرانه موردبررسی قرار می‌گیرند. در پهنه سیاست جنایی ایران، این گونه حقوق پیشگیری از جرم نیز در قانون اساسی دارای جایگاه شده است تا به این واسطه سیاست‌گذاری‌های سطح پایین‌تر از این قانون در راستای اصول و دستورهای اساسی تدوین و اجرا شود.

۳- فرهنگ‌سازی حکومت در همکاری امنیتی

در جهت همکاری مردم با حکومت در راستای مسائل امنیتی، می‌بایست ارزش این اقدام درک شود. متأسفانه اکثریت جامعه به ارزش چنین موردی پی نبرده‌اند. برای این منظور نیاز است که فرهنگ‌سازی صورت گیرد. عموم جامعه همکاری با نیروهای امنیتی را همان خبرچینی می‌دانند. این در حالی است که همکاری با وزارت اطلاعات، تنها به خبرچینی اختصاص ندارد. وزارت اطلاعات را چشم نظام تعبیر کرده‌اند و هر شهروند به هر نحوی که در جهت دیدن بهتر وقایع به وزارت اطلاعات کمک نماید، بخشی از وظیفه خود به‌عنوان جزئی از سیاست جنایی مشارکتی را انجام داده است. ساخت فیلم‌ها، سریال‌ها و ... در این مورد می‌تواند آگاهی‌بخش مردم باشد. در مرحله نخست می‌بایست ارزش همکاری مردم با نیروهای امنیتی محرز گردد. ساخت سریال، سخنرانی‌های تخصصی، سمینارها و موجب آگاهی مردم از آثار همکاری خود در این باره می‌باشد. در این قسمت به بحث در این باره پرداخته شده است.

۳-۱ وظیفه شناختن همکاری امنیتی

در ذات انسانی، انجام یک کار می‌بایست دارای منفعت بوده و یا حداقل زیانی نداشته باشد. متأسفانه اکثریت مردم نسبت به آثار مثبت همکاری با نیروهای امنیتی، اطلاعاتی ندارند. ساخت برخی فیلم‌ها،

مستندات و می‌تواند مردم را نسبت به نعمت امنیت آگاه سازد. به گفته حضرت علی (ع) امنیت نعمتی است که مردم تا زمان از بین رفتن آن، قدرش را نمی‌دانند. اگر بتوان مردم را نسبت به اهمیت همکاری با وزارت اطلاعات و سایر ارگان‌های اطلاعاتی آگاه کرد، گامی مهم در جهت آغاز همکاری برداشته شده است. اولاً که عموم مردم نسبت به نعمت امنیت آگاهی ندارند، ثانياً نیروهای امنیتی را عمدتاً در راستای خدمت به دولت پنداشته و آثار اقدامات آنان را نمی‌دانند. ازاین‌جهت ترویج سیاست فرهنگی در این مورد، جایگاهی خاص دارد.

۳-۳ فرهنگ‌سازی ملی

متأسفانه در سال‌های اخیر تبلیغات رسانه‌ای فراوان، موجب بدبینی شهروندان نسبت به نظام و کشور شده و انگیزه همکاری با دشمن در راستای ضربه به منافع ملی افزایش یافته است. نیاز است که سیاست فرهنگ‌سازی باهدف ارتقای غیرت ملی افزایش یابد. در صورتی که هر فرد ایرانی نسبت به کشور خود دارای تعصب باشد، انگیزه همکاری با دشمن در جهت اقدامات اطلاعاتی کاهش یافته و همین مسئله نوعی سیاست جنایی مشارکتی محسوب می‌گردد. در زمان جنگ تحمیلی که کشور هدف حمله دشمن یعنی قرارگرفته بود؛ کشور که سال‌های نخستین پس از انقلاب اسلامی را تجربه می‌کرد، درگیر بی‌ثباتی‌های سیاسی بود و گروه‌های مختلف در سراسر کشور مدعی حاکمیت بودند. در این زمان، بنا به خواسته امام (ره) همه گروه‌ها باهدف مقابله با تجاوز دشمن، راهی جبهه‌های نبرد شده و اوج همدلی و برادری شکل گرفت. به عقیده اکثریت صاحب‌نظران، تثبیت موقعیت جمهوری اسلامی ایران در جریان جنگ تحمیلی شکل گرفت که بسیاری از مخالفان نظام اسلامی غیرت ملی خود را فراموش نکردند. در سال‌های اخیر، عنصر بدبینی نسبت به عملکرد دولت‌ها، افزایش یافته و برخی از مردم نسبت به زندگی در ایران خوش‌بین نیستند. اما این وظیفه رسانه ملی است که نسبت به ارتقای غیرت ملی کوشش نماید تا هر ایرانی از هر فرهنگ، نژاد، عقیده و ... نسبت به غیرت ملی خود ارزش قائل باشد. در این صورت انگیزه همکاری با نیروهای اطلاعاتی معاند کاهش یافته و در عوض انگیزه همکاری با نیروهای اطلاعاتی خودی افزایش می‌یابد. در این صورت می‌توان به اثربخش بودن سیاست جنایی مشارکتی در جهت مقابله با جرائم امنیتی امید داشت.

۳-۳ همکاری نامحسوس

برای همکاری بین مردم و نیروهای اطلاعاتی نیاز نیست که همکاری بصورت محسوس باشد بلکه این امر ممکن است به صورت کاملاً غیرمحسوس و حتی بدون اطلاع شخص همکاری‌کننده صورت پذیرد. برای مثال ممکن است در لباس یا خودروی یک شخص عادی و یا یک مسافر، دوربین‌هایی کار گذاشته شود که برای مأمورین امنیتی در جهت انجام مأموریت‌های خود اطلاعات لازم را جمع‌آوری کند. بنابراین همکاری

مردم با نیروهای امنیتی همواره در جهت خنثی‌سازی نیست. نحوه همکاری توسط ماموران امنیتی مشخص شده و دغدغه آنها این مورد است که شهروند کمتر با مسائل اساسی درگیر شود. در عین حال همکاری می‌تواند به صورت ناخواسته صورت گرفته و در پایان از شهروند همکار قدردانی نمود.

۴- پیشگیری از جرائم امنیتی

عبارت «پیشگیری بهتر از درمان است» سرلوحه بسیاری از فعالیت‌ها قرار دارد. طبیعتاً ممانعت از بروز یک سانحه بد، بهتر از مقابله با آن پس از وقوع است. در مورد مسائل امنیتی، رخدادهای خرابکارانه میکروب بیماری ناامنی محسوب شده و کشور ما طی سالیان دراز با آن مواجه بوده است. سال‌های آغازین نظام جمهوری اسلامی با حوادث تلخناکی مواجه بود که امنیت نظام را به کلی به خطر انداخت و خوشبختانه با تقویت نیروهای جمهوری اسلامی، زمینه برای مقابله با آنان فراهم شد. در حال حاضر سیاست هلال شیعی جمهوری اسلامی ایران و تقویت مرزهای مجازی، موضوع مورد مناقشه ایران و غرب می‌باشد که زمینه بروز مشکلات امنیتی را فراهم داشته است. در این قسمت راهکارهای پیشگیری از جرائم امنیتی تشریح شده است.

۴-۱- دموکراسی

در صورت مشروعیت یک حکومت/دولت، مردم خود را با حکومت همراه دانسته و احتمال اقدام بر علیه آن کمتر است. حکومت‌های خودکامه و دیکتاتور، دشمنان زیادی از دل مردم داشته و همین‌کینه‌ها زمینه برای همکاری شهروندان با سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه را فراهم می‌کند. البته این بحث به این معنا نیست که حکومت‌های مشروع به هیچ‌وجه مشکلات امنیتی داخلی ندارند، بلکه میزان این‌گونه جرائم به مراتب کمتر خواهد بود. یکی از جنبه‌های سیاست جنایی مشارکتی در زمینه پیشگیری از جرائم امنیتی، ارتباط نزدیک حکومت و مردم است و این مهم تا حدود زیادی انگیزه مقابله با حکومت را کاهش خواهد داد. در این باره حکومت‌ها قصور فراوانی داشته و گاه حکومت‌های دموکراسی نیز در عمل از مردم فاصله می‌گیرند. بخش‌های حفاظت اطلاعات سازمان‌های نظامی همواره از کارکنان آن یگان می‌خواهند که در مورد مشکلات کاری نزد هیچ فردی صحبت نکنند، چراکه هسته اطلاعاتی دشمن با شناسایی نیروهای ناراضی، در جهت جذب آنها برنامه‌ریزی می‌کند. حفاظت اطلاعات براساس تجربیات به نتیجه مذکور رسیده و لذا بر همین مبنا، اگر بتوان نیروهای نظامی را نسبت به شغل خود راضی نگاه داشت و فاصله آنها را با حکومت نزدیک‌تر نمود؛ نوعی پیشگیری در مورد جرائم امنیتی محسوب می‌شود. در این باره نیاز است که مسئولین ارگان‌ها به صورت هماهنگ مؤلفه‌های نارضایتی پرسنل را مدنظر قرار داده و در این باره اقدامات جدی انجام دهند. حتی یکی از سیاست‌های این ارگان‌ها، عدم اخراج پرسنل و موکول کردن این گزینه به عنوان آخرین راه حل می‌باشد. طبیعتاً اخراج و از دست دادن شغل یک نظامی، انگیزه لازم برای

همکاری با دشمن را فراهم داشته که باتوجه به زمینه نظامی وی، همکاری وی، آثار بدی خواهد داشت. اگر شهروندان دولت را برخاسته از رأی خود دیده و اقدامات دولت منتخب را در زندگی خود حس کنند، فاصله دولت و شهروندان مرتباً کاهش داشته و همین مورد به کاهش انگیزه برای همکاری با سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه باز می‌گردد. در طول تاریخ ایران، یکی از نزدیک‌ترین روابط بین شهروندان و دولت را می‌توان دوران ملی شدن صنعت نفت و دولت دکتر مصدق دانست. در این دوران، با حمایت آیت‌الله کاشانی که از رهبران ملی شدن صنعت نفت بود، مردم حامی دولت بوده و شکست توطئه ۳۱ تیرماه ۱۳۳۱ و کودتای ۲۵ مرداد نمودی از پشتیبان شهروندان از دولت قانونی آن زمان بود. اما در ۲۸ مرداد، آیت‌الله کاشانی نقش رهبری خود را تضعیف کرده بود و دکتر مصدق با اقداماتی نظیر تعطیلی مجلس، فاصله خود را با مردم بیشتر نموده بود که اثر مستقیم این اقدام، موفقیت کودتای ۲۸ مرداد بود. در این مثال به‌خوبی می‌توان دریافت کرد که سطح رابطه مردم با دولت، تا چه حد بر مسائل امنیتی تأثیرگذار است. بنابراین حکومت و دولت می‌بایست خود را از مردم دیده و سعی در رابطه نزدیک با آنان داشته باشند. در این صورت مردمی که خود را دارای رابطه نزدیک با دولت می‌بینند، انگیزه‌ای برای همکاری با دشمن نداشته و طبیعتاً جرائم امنیتی تا حدود زیادی کاهش خواهد یافت. لذا اقدام پیشگیرانه دولت در جهت مقابله با جرائم امنیتی، کم کردن فاصله با شهروندان است. در ارگان‌های نظامی که به‌نوعی جزئی از امورات اجرایی محسوب می‌شود، باتوجه به موقعیت حساس آن، استعداد جرائم امنیتی بیشتر است که با نزدیک شدن فاصله بین پرسنل و حکومت، احتمال این جرائم به‌مراتب کمتر خواهد بود. متأسفانه از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ اقدامات دولت که به تورم، فاصله طبقاتی، کاهش آزادی‌ها و ... منتهی شد، زمینه خرابکاری‌های امنیتی همچون واقعه ترور شهید فخری زاده و سپس خرابکاری نظنز را فراهم کرد و از آنجا که وزارت اطلاعات جزئی از دولت محسوب می‌شود، مسئولیت این اقدامات بر عهده دولت می‌باشد که امید است در سال‌های آتی دولت جدید با نزدیک شدن بیشتر به مردم، در زمینه پیشگیری از جرائم امنیت اقدامات جدی‌تری به عمل آورد.

۴-۲ رابطه با همسایگان

کشورهای همسایه، باتوجه به داشتن مرزهای مشترک و عموماً اشتراکات فرهنگی، استعداد خاصی در اقدامات اطلاعاتی علیه یکدیگر دارند. ضمن اینکه ضرورت اجاب کرده که باتوجه به شرایط خاص همسایگی، اطلاعات حیاتی مناسب از کشورهای همسایه دریافت شده تا در موقع لزوم امنیت کشور به خطر نیفتد. اگر بین دو کشور همسایه تنش برقرار باشد، اهمیت مذکور چند برابر شده و نیروهای دو کشور همواره حالت جنگی علیه یکدیگر دارند. اما در صورت تنش‌زدایی با کشورهای همسایه، خودبه‌خود ضرورت از بین رفته و اقدامات اطلاعاتی مابین دو کشور تنها به کسب اطلاعات حیاتی منتهی است. به‌عنوان مثال ذکر شود که روابط خصمانه بین ایران و حزب بعث عراق در سال‌های نخست پس از انقلاب

اسلامی، ضرورت اقدامات اطلاعاتی علیه یکدیگر را چند برابر نمود. در آن زمان جمهوری اسلامی ایران نوپا بوده و نهادهای اطلاعاتی هنوز به صورت رسمی شکل نگرفته بودند. این در حالی بود که حزب بعث عراق که سابقه جنگ با کردهای شمال این کشور را بیست سال پیش از جنگ با ایران در کارنامه خود داشت، نیروهای زنده نظامی و اطلاعاتی در اختیار داشت و از هر اقدام ممکن برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی استفاده کرد تا سرانجام جنگ خونین هشت ساله آغاز شد. با پناه دادن به منافقین، عراق عملاً به کانونی برای فعالیت علیه نظام اسلامی مبدل شد. اما پس از سرنگونی حکومت بعث عراق و روی کار آمدن حکومت رسمی در این کشور، روابط بین دو کشور بهبود یافت و همکاری‌ها در زمینه مبارزه با جرایم امنیتی تهدیدکننده هر دو کشور بین آنها آغاز شد. با توجه به شرایط موجود محتمل است در آینده دو کشور توافقنامه منع اقدامات جاسوسی علیه یکدیگر امضاء کرده که با توجه به بهبود روابط سیاسی بین دو کشور، ضمانت اجرایی خواهد داشت.

مثال مذکور به خوبی نشان داد که تنش زدایی با همسایگان و ایجاد روابط صمیمی بین دو کشور، خودبه خود انگیزه اقدام اطلاعاتی را از بین برده و نگرانی از آن نیز از بین خواهد رفت. در حال حاضر روابط ایران با ارمنستان نیز بسیار صمیمانه است و همکاری‌های استراتژیک بین دو کشور حکم فرماست. اما روابط بین ایران با برخی کشورهای همسایه چندان مورد قبول نبوده و همین مورد نگرانی از نفوذ اطلاعاتی آنان به کشور را ایجاد می‌کند. حتی بیم آن می‌رود که کشورهای همسایه محلی برای اقدامات اطلاعاتی دشمنان دوردستی همچون اسرائیل، و آمریکا قرار گیرد. در دوران پهلوی، روابط ایران با ابرقدرت همسایه شمالی (شوروی) بسیار خصمانه بود و اقدامات تأمینی بسیار وسیعی در مرزهای ۲۵۰۰ کیلومتری بین دو کشور در جریان بود. آن‌طور که مرزبانان آن زمان تعریف کرده‌اند، حتی عبور کبوتر از مرز بین دو کشور با آتش طرف مقابل روبرو می‌شد. در این شرایط نگرانی از نفوذ اطلاعاتی همسایه بسیار زیاد بوده و ممکن است افرادی در داخل کشور مقابل توسط دستگاه اطلاعاتی طرف مقابل اجیر شوند. لذا انرژی مضاعف واحدهای ضداطلاعات می‌بایست برای مقابله با آن هزینه شود که گاه در وجود خطا، موجب نفوذ دشمن خواهد شد. به هر حال اگر تنش بین دو همسایه از بین رود، خودبه خود نگرانی از نفوذ اطلاعاتی از بین رفته و انرژی صرف شده واحدهای ضداطلاعات می‌تواند در جاهای دیگر صرف شود. این مهم جزئی از سیاست جنایی مشارکتی بوده که می‌تواند در راستای پیشگیری از جرائم امنیتی انجام شود.

۴-۳ اقدام متقابل

دیدگاه‌های مختلف نظامی و امنیتی، اطلاعات و نظام را جزء یکدیگر دانسته و این در حالی است که با وجود ارتباطات بین آن‌ها، بازهم این دو مقوله جدا از یکدیگرند. سازمان‌های نظامی مسئول عملیات‌های نظامی علیه دشمن بوده که معمولاً به صورت آشکار و علنی انجام می‌شود. سازمان‌های

اطلاعاتی به صورت مخفی عموماً سعی در کسب اطلاعات داشته و عملیات‌های خاص کماندویی را انجام می‌دهند. در اکثر کشورها نهادهای اطلاعاتی غیرنظامی و غیرمسلح محسوب شده و واحدهای اطلاعات نظامی در خود ارگان‌های نظامی مستقر می‌باشد. در کشور ما نیز وزارت اطلاعات جزء سازمان‌های غیرنظامی و غیرمسلح محسوب می‌شود. بر این اساس، اقدامات اطلاعاتی جدا از اقدامات نظامی بوده و عموماً منظور از جنگ، اقدام نظامی دو کشور علیه یکدیگر است. در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران پس از پایان جنگ با حزب بعث عراق، درگیر هیچ جنگ رسمی نبوده و اقداماتی نظیر ترور سردار سلیمانی و پاسخ به آن، پیش‌زمینه جنگ بود که از گسترش آن ممانعت شد. علی‌رغم نبودن جنگ نظامی بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای دشمن، رابطه جمهوری اسلامی با برخی از کشورها کاملاً خصمانه است. برای مثال پس از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در تهران در سال ۱۳۵۸، رابطه ایران با ایالات متحده آمریکا کاملاً به تیرگی گرایید و روابط کشور ما با اسرائیل پس از پیروزی انقلاب اسلامی به علت اختلافات ایدئولوژیک و به رسمیت نشناختن این کشور، در شرایط بحرانی است. دیگر کشورها همچون عربستان، امارات و که در گذشته با ایران دارای رابطه رسمی دیپلماتیک بودند، در حال حاضر به دلیل ضعف ساختار سیاسی، نظامی و اختلافات ایدئولوژیک، فرهنگی و ... با کشور ما عملاً به ابزاری برای اقدامات آمریکا و اسرائیل علیه ایران مبدل شده‌اند. اما به صورت کلی می‌توان چنین بیان کرد که بین جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در غیاب جنگ نظامی، رابطه خصمانه برقرار بوده که اقدامات اطلاعاتی بخشی از تنش بین دو کشور است. متحدان هر دو کشور نیز در این محاصمه به حامی خود کمک کرده که موجب ایجاد جنگ‌های نیابتی شده است. از طرف دیگر به علت اقدامات جاسوسی و امنیتی کشور جعلی اسرائیل در ایران، بخش زیادی از فعالیتهای نیروهای امنیتی ایران صرف انجام اقدامات ضد امنیتی و ضد تروریستی این کشور می‌گردد.

با وجود جنگ اطلاعاتی بین ایران و برخی کشورها، در مواردی کشور ما متحمل خسارت‌های فراوانی شده است. مسئله این است که کشورهای متخاصم خود را در جنگ اطلاعاتی دیده و آن را جدا از جنگ نظامی می‌دانند و اگر جمهوری اسلامی ایران گاه به اقدام اطلاعاتی دشمن پاسخی نظامی دهد، هزینه این اقدامات برای دشمن افزایش داشته که می‌تواند جنبه پیشگیری از جرائم امنیتی را داشته باشد. با ترور شهید فخری زاده و دوبار اقدام خرابکاری در نطنز در تاریخ‌های ۱۳۹۹/۰۴/۱۲ و ۱۴۰۰/۰۱/۲۲، مطالبه عمومی برای پاسخ نظامی به اسرائیل بیشتر شد که به دلایلی خاص از چنین پاسخی خودداری شد. طبیعتاً اگر پاسخ این اقدام اطلاعاتی اسرائیل، پاسخ نظامی باشد، باتوجه به موقعیت شکننده آن، هزینه سنگین اقدامات اطلاعاتی خود را یافته و لذا با کاهش گسترده عملیات این رژیم در ایران، جرائم امنیتی این حوزه کاهش خواهد یافت. بر این اساس برای حکومت این وظیفه وجود

داشته که در مقابل اقدامات اطلاعاتی دشمن، یا اقدام اطلاعاتی مناسب انجام دهد و یا در غیاب آن، به اقدام نظامی روی آورد، تا بدین صورت با هزینه تمام شده اقدام دشمن، از بروز چنین جرائمی ممانعت به عمل آید (میرمرادی، ۱۳۹۷: ۱۱۲).

۴-۴ تنش زدایی عمومی

عموما انتقاد عمومی از حکومت جمهوری اسلامی آن است که به کشوری پرحاشیه تبدیل شده است. تفکر مذکور که نشأت گرفته از توطئه و القای دشمنان است، این بحث را به پیش کشیده که موقعیت کشور ما به نسبت کشورهای بی حاشیه متفاوت است. موقعیت خاص و استراتژیک ایران، موجب چشم طمع دشمنان به آن شده و لذا برای مقابله با این وضعیت می بایست اقدامات مقتضی را انجام داد. کشورهای همچون استرالیا و سوئیس، به دلیل موقعیت خاص، تاکنون مورد تعرض قرار نگرفته و به همین جهت حفاظت اطلاعات در این کشورها نیاز چندانی نبوده و جرائم امنیتی به حداقل ممکن رسیده است. کشور ما برای استقلال هزینه زیادی پرداخت کرده و در طی چند دهه موفق به دستیابی به آن شده است. در وضعیتی که کشور ما اقتدار و استقلال خود را به دست آورده است، می توان با درایت و احتیاط به سمت تنش زدایی پیش رفت. در دیدگاه عمومی، اگر تنش زدایی به صورت عمومی موفق اجرا شود، خود به خود انگیزه اقدام اطلاعاتی در خاک کشور دیگر کاهش یافته و نیروهای ضد اطلاعات می توانند تمرکز خود را بر روی اقدامات و تهدیدات مهم امنیتی متمرکز کنند. در وضعیت استقلال کشور، دولت می تواند ضمن هوشیاری کامل، بنابه مصلحت نظام به سمت تنش زدایی با کشورهای متخاصم پیش رفته و حتی توافقات منع اقدامات اطلاعاتی علیه یکدیگر را به امضاء برساند. بدین صورت اقدامی مهم در جهت پیشگیری از جرائم امنیتی انجام شده است (ناجویان و کجویان، ۱۳۹۸: ۱۱۵).

۵- مصادیق همکاری های شهروندی در جهت پیشگیری از جرائم امنیتی

در مورد جنبه های سیاست جنایی مشارکتی و جرائم امنیتی صحبت شد. در این قسمت مصادیق همکاری های مردم با مسئولین امنیتی جهت مقابله با جرائم امنیتی شرح داده شده است.

۵-۱ اطلاع رسانی مردم

در حال حاضر سامانه هایی برای ارتباط بین مردم و مسئولین امنیتی برقرار است که مشارکت مردم در مقابله با جرائم امنیتی می تواند از دیدگاه سیاست جنایی مشارکتی انجام شود. سامانه ۱۱۳ وزارت اطلاعات، سامانه ۱۱۴ اطلاعات سپاه، سامانه ۱۱۰ پلیس و دیگر شماره های مرتبط با پلیس فتا و ... وجود دارد. هر یک از شهروندان که به نوعی متوجه وقوع جرائم امنیتی شده اند، می توانند ضمن تماس با مسئولین امنیتی، موارد مذکور را اطلاع دهند. صدای ناشناخته نمی تواند به عنوان دلیل اثبات باشد، اما به عنوان سرنخ تحقیقات می تواند استفاده شود و درواقع مبنای تحقیقات قرار گیرد (بهره مند و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۰).

طبیعتاً ضابطین دادگستری در حین تحقیقات به مصاحبه‌های متعدد با شهروندان نیاز داشته که همکاری مردم با ضابطین دادگستری می‌تواند نمونه‌ای از سیاست جنائی مشارکتی باشد. تحقیقات مرتبط می‌تواند به فرضیه‌هایی رسیده که در نهایت با تقویت فرضیه و یافته شدن ادله اثبات آن، به اثبات جرائم بیانجامد. همکاری مردم با نیروهای امنیتی در راستای پیشگیری از جرائم امنیتی اهمیت ویژه داشته که در صورت سیاست‌گذاری صحیح، یکی از راه‌های پیشگیری از وقوع جرائم محسوب می‌شود.

در تبصره سوم ماده یکم «ق.و.ا» نیز ذکر شده که «هر یک از وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادها و نیروهای نظامی و انتظامی که در کسب اطلاعات تخصصی خود به مسائل امنیتی برخورد نمایند، همچنین هرگونه اطلاعاتی که مورد تقاضای وزارت اطلاعات باشد، موظف‌اند آن اطلاعات را در اختیار وزارت اطلاعات قرار دهند.» بر این اساس، همه نهادها و اشخاص حقوقی که به مسئله امنیتی برخورد نمایند، موظف‌اند در اسرع وقت مسئله را به اطلاع مقامات وزارت اطلاعات رسانده و هر اطلاعات درخواستی وزارت (باتوجه به اشعار قانونی) بدون نیاز به کسب مجوز قضائی، سریعاً می‌بایست تحویل شود. این رویه یکی از روش‌های همکاری نهادها و نیروهای امنیتی در جهت پیشگیری از وقوع جرم می‌باشد.

۵-۲ همکاری در جهت تحقیقات

براساس تبصره سوم ماده یکم ق.و.ا، در جریان تحقیقات هر اطلاعات درخواستی وزارت اطلاعات می‌بایست بدون فوت وقت به آن‌ها تحویل داده شود. همکاری کامل مردم با نیروهای امنیتی در جریان تحقیقات، می‌تواند جلوه‌ای از سیاست جنائی مشارکتی بوده که به کشف واقعیت جرم و یا پیشگیری از آن کمک می‌کند. ممکن است نیروهای امنیتی در جریان تحقیقات خود، به اطلاعاتی نیاز داشته باشند که مطابق موارد پیش‌گفته نهادهایی که به این اطلاعات دسترسی دارند، موظف به ارائه هستند. همچنین در جریان انجام تحقیقات از شهروندان باید این نکته را در نظر داشت که برخی افراد از ورود به صحنه‌های امنیتی (چه حالت مثبت و چه منفی) گریزان‌اند. این ترس آن‌ها باعث عدم همکاری آن‌ها با نیروهای امنیتی شده که به هیچ‌وجه مطلوب نیست. نیروهای امنیتی می‌بایست به مردم اطمینان دهند که همکاری آن‌ها با نیروهای وزارت، هیچ خطری را متوجه آن‌ها نکرده و درواقع آن‌ها با عمل خود به کل جامعه ایران خدمت می‌کنند. اگر بتوان چنین وضعیتی را به شهروندان القاء کرد، در جهت همکاری بهتر آن‌ها مؤثر است.

۵-۳ همکاری‌های محلی

معمولاً مردم محلی اشراف مناسبی بر وضعیت منطقه محل سکونت خود دارند. جلوه مشارکت مردم با نیروهای امنیتی در جریان جنگ تحمیلی، صحنه‌ای کاملاً بی‌نظیر بود که غیرت و وطن‌پرستی را در دل هر ایرانی بیدار می‌کند. در جریان حمله رژیم بعث عراق به ایران در سال ۱۳۵۹ خورشیدی مردم مرزنشین با

همانگی نیروهای مسلح، به صورت خودجوش به مقابله با دشمن شتافته که شهدای زیادی را تقدیم اسلام کردند. این جلوه ایستادگی در برابر دشمن کمک بزرگی به ارتش ازم پاشیده آن زمان محسوب گردیده و تا حدودی مانع پیشروی نیروهای دشمن شد. در حال حاضر این همکاری در قالب شناسایی عوامل دشمن می تواند کارساز باشد. مثلاً در استان سیستان و بلوچستان که نیروهای ضدانقلاب فعالیت دارند، همکاری نیروهای محلی با عوامل اطلاعاتی در کشف مقرر نیروهای معاند نقشی مهم دارد. واحدهای اطلاعات نظامی براساس تبصره یکم ماده یکم ق.و.ا مسئول جمع آوری اطلاعات نظامی در مورد گروه های معاند هستند، در برخی مأموریت های شناسایی به همکاری نیروهای محلی که اشراف کامل بر منطقه دارند، نیاز داشته و می بایست به آن ها اطمینان دهند که در قبال همکاری آن ها با نیروهای امنیتی، جان آن ها درخطر نخواهد افتاد. البته در قوانین داخلی سازمان های امنیتی این مسئولیت برای سازمان قیدشده که حمایت از جان نیروها وظیفه سازمان می باشد (قیاسی، ۱۳۸۵: ۴۳). لذا کسانی که با نیروهای امنیتی همکاری دارند، جزئی از نیروهای سازمان محسوب شده که وظیفه تأمین امنیت جانی آن ها بر عهده سازمان است. بدین صورت می توان زمینه همکاری مردم محلی با نیروهای امنیتی، جهت شناسایی مواضع دشمن را فراهم کرد.

نتیجه گیری

سیاست جنایی مشارکتی، جلوه مهمی از سیاست های قضائی می باشد که در جهت پیشگیری از جرائم نقشی مهم دارد. جرائم امنیتی باتوجه به ماهیت محرمانه ای که دارند، برای کشف نیاز به همکاری بیشتر بین مردم و نهادهای اطلاعاتی دارند. هر فرد ایرانی نسبت به زادگاه خود احساس مسئولیت داشته و در صورت از بین رفتن غیرت ملی، حاضر به همکاری با سرویس های اطلاعاتی دشمن است. لذا کلیه مسئولین دولتی وظیفه داشته که با فرهنگ سازی مناسب، مانع از کاهش احساسات تعصب گرایانه ملی شوند و مشکلات سیاسی دهه اخیر بر آن تأثیری منفی داشته است. وزارت اطلاعات در صدر نیروهای امنیتی، مسئولیت کشف توطئه های امنیتی را داشته که خبررسانی از هر کانال ممکن برای این وزارتخانه اهمیتی حیاتی دارد. وزارت اطلاعات را به «چشم نظام» تفسیر کرده اند و اگر هر فرد ایرانی خود چشم ایران محسوب شود، در کشف توطئه های امنیتی می توان وزارت اطلاعات را همراهی نمود. هر فرد نسبت به محل سکونت خود اشراف بیشتری داشته و همکاری این قبیل افراد با نیروهای امنیتی در جهت کشف عوامل معاند، اهمیتی اساسی دارد. به هر حال اهمیت همکاری مردم با نیروهای امنیتی در جهت کشف اقدامات برخلاف امنیتی ملی پیش از اقدام ضروری داشته و می تواند جلوه های سیاست جنایی مشارکتی باشد و در صورت اجرای موفق این سیاست، می توان به اقتدار بیشتر نیروهای امنیتی در کشف جرائم امنیت امیدی بیشتر داشت.

منابع

- اکبری، مرتضی (ترجمه شده از گرکی مارکو) (۱۳۸۹) جرائم سایبری: راهنمایی برای کشورهای در حال توسعه، تهران، پلیس فتا، ج ۱، چ ۱.
- بهره‌مند، حمید؛ کوره پز، حسین محمد؛ سلیمی، احسان (۱۳۹۳) راهبردهای وضعی پیشگیری از جرائم سایبری، آموزه های حقوق کیفری دانشگاه علوم اسلامی رضوی ۷ (۱) ۱۴۷-۱۷۶.
- بیرانوند، رضا؛ سبزیان فرد، شهرام (۱۳۹۷) جایگاه جامعه مدنی در حقوق کیفری با تاکید بر سیاست جنایی مشارکتی ایران، تحقیقات حقوقی آزاد، ۳۹ (۱) ۱-۲۴.
- پورجمشید، سید مجید (۱۳۹۶) بررسی جلوه های سیاست جنایی مشارکتی در قوانین کیفری ایران، دانشگاه کاشان.
- جلالی فراهانی، امیرحسین (۱۳۸۹) کنوانسیون جرائم سایبری و پروتکل الحاقی آن، تهران، خرسندی، ج ۱، چ ۱.
- جلالی، علی اکبر (۱۳۹۱) رفتارشناسی مجرمان در فضای سایبر، فصلنامه کارآگاه ۲ (۶) ۱-۲۱.
- دوکوهکی، محمدرضا (۱۳۹۸) بررسی جزایی جرائم رایانه‌ای و سایبری، انتشارات قانون یار، ج ۱، چ ۶.
- شاکری گلپایگانی، طوبی (۱۳۸۲) دعوی قتل فرزند توسط پدر در سیاست جنایی مشارکتی، فقه و حقوق خانواده، ۳۲ (۱) ۹-۳۶.
- شریعتی، مسعود (۱۳۹۰) پلیس الکترونیک و نقش آن در پیشگیری، تهران، دانشگاه علوم انتظامی، ج ۱، چ ۱.
- غلامی، حسین (۱۳۹۳) عدالت ترمیمی، تهران، سمت، ج ۱، چ ۵.
- فرهنگ لغت دهخدا.
- فرهنگ لغت عربی-فارسی.
- فرهنگ لغت عمید.
- فرهنگ لغت معین.
- فرهنگ واژه های سره.
- فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان تهران.
- فضلی، مهدی (۱۳۹۱) مسئولیت کیفری در فضای سایبر، تهران، خرسندی، ج ۲، چ ۲.
- قانون اساسی ایران، مصوب ۱۳۵۸، بازنگری شده در سال ۱۳۶۸.
- قانون تاسیس وزارت اطلاعات، مصوب ۱۳۶۳.
- قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲.
- قیاسی، جلال الدین (۱۳۸۵) مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی، قم، فرهنگ اسلامی، ج ۱، چ ۱.
- کی نیا، مهدی (۱۳۸۸) مبانی جرم شناسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۲، چ ۹.
- موسوی، رضا (۱۳۹۰) پیشگیری وضعی از جرائم سایبر در قالب تدابیر فنی و محدودیت های پیش روی آن، همایش

چالش های جرائم رایانه ای در عصر امروز.

- میرمادی، سیدمنصور (۱۳۹۷) جرائم سایبری، تهران، انتشارات ماهواره، ج ۱، چ ۲.
- نامجویان، محمدرضا؛ کجوثیان، مرجان (۱۳۹۸) جرائم سایبری، تهران، آلاقلیم، ج ۱، چ ۱.
- Gilling, D. (1997). **Crime prevention: Theory, policy, and politics**. Psychology Press.
- Graham, N. (2018). **Cyber crimes against women in India**.
- Hill, J. B., & Marion, N. E. (2016). **Introduction to Cybercrime: Computer Crimes, Laws, and Policing in the 21st Century: Computer Crimes, Laws, and Policing in the 21st Century**. ABC-CLIO.